

نمادانگاری‌های هویت بیرونی زن در جامعه ایمانی از دیدگاه قرآن

خدیدجه احمدی بیغش*^۱، مهسا پاکدامن^۲

۱- استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Kh.ahmadi@modares.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه تفسیر و علوم قرآن، موسسه علمیه قائم علیه السلام چیدر، تهران، ایران.

mspakdaman@yahoo.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۵/۲۰]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۴/۲۰]

چکیده

بینش قرآن به نمادهای هویتی زنان در بعد درونی و بیرونی، عملکرد و رفتاری ایشان را با ارزش، احترام، حرمت و صیانت او در جامعه ایمانی همراه است. این نمادها نه تنها ارتباطی عمیق با فرهنگ و آموزه‌های اسلامی دارند، بلکه تجلی ارزش‌ها و باورهای دینی آنان و کرامت و منزلت بانوان مسلمان به شمار می‌آید. پژوهش پیش رو درصدد پاسخگویی به این سؤال است که بر اساس خاستگاه قرآنی، هویت بیرونی زنان در جامعه ایمانی چه نمادهایی را در بر دارد. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله نشان می‌دهد رفتار نمادین زن با ریشه در فطرت و درون او به صورت نمادهای کنشی زنان به خصوص زن مسلمان مورد توجه است. بروز رفتارهای بیرونی انسان، نتیجه گرایش درونی آنان است و هر گرایش درونی نتیجه بینش عقلی و عملی است که پرداختن و تعدیل این ویژگی درونی و هماهنگی با وظایف خاص زنان در نظام اجتماعی انسانی موجب بروز و ظهور صفاتی نیکو در او می‌گردد. تجلی این امور در زنان به منظور نوع آفرینششان بیشتر از مردان خواهد بود. کارکرد مهم نمادانگاری‌های قرآن در ارائه و تبیین هویت بیرونی زن مسلمان بیان معنا و ایجاد حس هویت به زنان، با نمادهایی چون نماد عفت و حیاء حیات، رحامت و قانت بودن است. زنان مؤمن با دربرداشتن نمادهای هویت بیرونی خویش در جامعه ایمانی، به‌خوبی می‌تواند برای تمام بشریت الگو معرفی می‌شوند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، زنان، نمادهای هویتی، هویت بیرونی، جامعه ایمانی.

۱- مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم برای جامعه ایمانی و مؤمنان ویژگی‌های را طراحی نموده است که با اجرا و رعایت‌شان، نه تنها پایه‌های جامعه ایمانی استحکام افتد، بلکه مؤمنین منسوب بدان نیز به‌عنوان الگوهای شایسته برای سایر افراد و جوامع، در هر عصر و زمانی مبدل می‌گردند. نمادهای هویتی زنان، در دو بعد هویت درونی و بیرونی، نشانی برای توجه به هدف و حقیقت، بدون دلالت بر آن است تا انتقال دهنده پیامی ویژه، خارج از حصار زمان و مکان و ارائه الگوی تمام‌عیار به دور از تأثیرگذاری زمان و توصیف یک شخصیت حقیقی باشد. اهتمام خاص قرآن به مسائل تربیتی رفتاری در قالب نمادانگاری‌های هویتی درونی و بیرونی او نیز در شکل‌گیری، استقرار و استواری جامعه ایمانی از یک سو و زدودن آسیب‌های متزلزل‌کننده این جامعه از سویی دیگر است. امروزه افزایش ارتباطات جهانی و جهانی شدن، موجب ایجاد تغییرات فرهنگی بسیاری در جوامع مختلف شده است. رواج ارزش‌های گوناگون، قرار گرفتن در معرض اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف، از جمله عوامل تهدیدکننده تعلق خاطر به مؤلفه هویت و نمادهای هویتی، به‌خصوص در میان جوانان شده است (چیت‌سازقمی، ۱۳۸۳). هویت دینی در واقع همان آثار و عوارض ناشی از حمل دین بر فرد دین‌دار، داشتن اهتمام دینی در نگرش، گرایش و کنش‌های فردی (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴)، متضمن سطحی از هویت اجتماعی بوده، نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است (دوران، ۱۳۸۳). علی‌رغم پژوهش‌های بسیار در متون غربی در حوزه هویت، شواهد حاکی از آن است که به‌طور گسترده از نقش نمادانگاری‌های هویتی در شکل‌دهی به هویت افراد و گروه‌ها غفلت شده است. پژوهش حاضر نمادانگاری‌های هویت بیرونی زن مسلمان را در محور خاستگاه قرآنی مورد تحلیل قرار داده است.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی درباره موضوع هویت درونی و بیرونی زنان صورت گرفته و هر یک از زوایای خاص به بررسی این مسئله پرداخته‌اند. برای نمونه، هدایت نیا در کتاب الگوی سوم رفتاری زن در خانواده و جامعه (۱۳۹۵)، مبانی و لوازم و بایسته‌های الگوی سوم رفتاری زن مسلمان را در سه قالب: خانواده‌گریزی، خانه‌نشینی و خانواده‌گرایی را از نظر انسان‌شناختی، فقهی و حقوقی بررسی کرده است. کربلای نظر در کتاب زن و بازبانی هویت حقیقی (بیانات رهبر ما، سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای، ۱۳۹۰)، جایگاه و حقوق زنان در تمدن غرب و اسلام را از بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی، در بازخوانی آموزه‌های قرآن و حدیث مورد بررسی قرار داده است. بانکی‌پورفرد در کتاب الگوی زن بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری (۱۳۹۳)، حضرت زهرا علیها السلام را الگویی نیکو در حیات انسانی، عرصه خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، معرفتی عرفانی، عبادی، مورد پردازش قرار داده است. غلامی در کتاب هویت و نقش‌های جنسیتی زن در اسلام (۱۴۰۲)، مبانی و اصول حاکم بر نظام جنسیت و خانواده تشیع، تفاوت‌های تکوینی زن و مرد هویت و نقش‌های جنسیتی، نحوه مواجهه متون دینی شیعه با مسئله جنسیت و دیدگاه اسلام و... مورد بررسی قرار داده است. خجسته در مقاله ساختاربندی هویت زنان (۱۳۸۶)، عناصر و ابزارهایی از جمله رسانه را در شکل‌گیری هویت زنان در جوامع مختلف مورد بررسی قرار داده است. احمدی بیغش و ذاکر اصفهانی در مقاله نقش جنسیت در عناصر درونی هویت‌ساز انسان از دیدگاه قرآن کریم (۱۴۰۳)، بر اساس عناصر هویت درونی مشترک میان زن و مرد که شاکله انسان‌سازی او را در بردارد، مورد بررسی قرار داده است. با وجود این تلاش‌ها و آثار گسترده، بررسی دقیق درباره نمادانگاری‌های قرآنی خاص هویت زن مسلمان بافت نشد. این خلأ پژوهش، لزوم انجام تحقیقی مستقل و هدفمند در این زمینه را آشکار می‌سازد.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر یک مطالعه مروری است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، متون تفسیری و روایی، به بررسی هویت بیرونی زنان در جامعه ایمانی بر اساس نمادهای عفت، حیا، سکینه، حیات، رحمت و قناعت پرداخته است. در این

مطالعه تلاش شده است تا با تکیه بر آیات قرآن کریم، مهم‌ترین آموزه‌ها و سازوکارهایی که قرآن برای ارتقا و فرهنگ‌سازی جایگاه و هویت بیرونی بانوان ارائه کرده است، استخراج و تحلیل شود. هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش تربیتی، فرهنگی و اجتماعی بانوان در حل مسئله هویت بیرونی آنان و ارائه راهکارهای قرآنی برای فرهنگ‌سازی هویت زنان و نهادینه‌سازی آن در جامعه ایمانی است.

۴- یافته‌ها

۴-۱- مفهوم هویت بیرونی

هویت یا کیستی، مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد در دو بعد درونی و بیرونی، عامل تمایز فرد با دیگران است (میرشکاری، ۱۳۹۶). هویت بیرونی انسانی که بر اساس تکوین و رشد انسان در جامعه شکل می‌گیرد، مقوله‌ای کاملاً اجتماعی است. همه انسان‌ها، فارغ از محل تولد، تعلق قوم و قبیله‌ای‌شان، دارای ویژگی‌های یکسان نوع انسانی در هویت درونی، میان انواع موجودات زنده بوده و هیچ‌گونه تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند (عالم، ۱۳۷۷). هویت بیرونی نیز مجموعه خصوصیات بینشی و کنشی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات فرد و گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دخالت کرده، آن‌ها را در مکان و زمان معین، آگاهانه از سایر افراد و گروه‌ها متعلق به آن‌ها متمایز سازد، است (موسی نجفی، ۱۳۹۲). لازم به ذکر است ادیان از آغاز تاکنون، همواره در تمدن‌سازی و هویت بخشی مدنی و اجتماعی به بشر، نقش مثبت و مؤثری داشته‌اند. در واقع میان عناصر فرهنگ‌ساز بشری، دین نقش تعیین‌کننده‌ای بر عهده داشته است (منصورنژاد، ۱۳۸۳). لذا هویت دینی از مهم‌ترین عناصر ایجادکننده همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامع است. این امر طی فرآیندی، با ایجاد تعلق خاطر به دین و مذهب، در میان افراد جامعه، به منظور ایجاد و شکل‌گیری هویت جمعی، عملیات تشابه‌سازی و تمایزبخشی را انجام می‌دهد. در اهمیت برخوردار از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پابندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر، همین بس که حتی می‌تواند در فرایند شکل‌دهی هویت ملی مؤثر باشد (حاجیانی، ۱۳۷۹).

بنا بر آنچه بیان شد، نمادانگاری‌های هویت بیرونی، هستی و حس تداومی- که فرد برای تعادل و ثبات روانی- بدان نیاز دارد، در اختیارش قرار می‌دهد (حاجیانی، ۱۳۷۹). این نمادها کارکردهای اجتماعی مختلفی از قبیل اجتماعی کردن اعضای جامعه، کاهش کشمکش، تحکیم ارزش‌های مشترک، یکپارچه‌سازی جامعه و حفظ ثبات اجتماعی، تنظیم منابع و تقویت نظارت اجتماعی را بر عهده دارد (اشرفی، ۱۳۷۷). علاوه بر آن، نمادانگاری‌های هویت دینی و بیرونی، بر اساس نظام‌های معانی بر گرفته از تعالیم وحی، اساس عزت‌نفس، فعلیت و تعالی بخش فرد و عامل استحکام روابط انسانی او بوده (احمدی بیغش، ۱۴۰۳) و فرد را در نیاز هویتی‌اش، یعنی تحقق خود فردی و اجتماعی او یاری می‌رساند.

۴-۲- نمادهای هویت بیرونی زن

گرچه زن و مرد به لحاظ خلقت و در هویت درونی مشترک‌اند، در خاستگاه قرآن کریم، هویت بیرونی زنان بر اساس نمادانگاری‌های گوناگون، تنها اختصاص به او دارد. نمادهای بیرونی هویت زن که همانا تصویر و گفتاری است که علاوه بر معنای صریح دارای معنای کنایی و پنهان نیز است، از یک سو به عنوان نشانه‌ای از حق و امانت الهی، در فطرت فرد نهاده شده است؛ از سویی دیگر نمایانگر هویت بیرونی او به شمار می‌آید. هریک از این نمادها به‌طور مشخص حیطه خاصی از شخصیت زنان را جلوه‌گر است. مهم‌ترین نمادهای بیرونی هویت زنان در قرآن عبارت است از:

۴-۲-۱- نماد عفت و حیاء

اولین و مهم‌ترین نمادانگاری قرآن کریم در هویت بیرونی زنان عفت و حیاست که فطرتاً در نهادش به ودیعه گذاشته شده و عدم توجه به آن موجب اضطراب و آشفتگی درونی و بیرونی ایشان در جامعه ایمانی می‌گردد (قزائتی، ۱۳۸۸). عفت به معنای خویش‌داری، تسلط بر نفس (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) و حالتی در نفس است که به وسیله آن از تسلط و غلبه شهوت بر انسان جلوگیری می‌شود

(رواس قلعجی، ۱۴۰۸)، حیاء نیز به معنای شرم، خودداری نفس از زشتی‌ها (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) و ملکه‌ای نفسانی است که موجب گرفتن روح از زشتی و انزجار آن از خلاف آداب، از ترس ملامت می‌گردد. این دو واژه گرچه دارای معنای گسترده‌ای هستند، اما بیشتر در خویشنداری و قناعت مالی و کنترل غریزه جنسی استعمال شده که اولی موجب حفظ عزت و آبرو، دومی سبب حیا، شرم و غیرت در مقابل پرده‌داری و انحرافات جنسی می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). در روایات از این دو به عفت و حیاء «بِطْن» و «فَرْج» تعبیر شده است. رسول‌الله ﷺ فرمود: «ثَلَاثٌ أَحَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَدِي الصَّلَاةُ بَعْدَ الْهُدَى وَ مَصَلَاتُ الْفِتْنِ وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ»؛ سه چیز است که از آن‌ها بر اتم بعد از خودم بیمناک هستم: گمراهی بعد از آگاهی و آزمایش‌های گمراه‌کننده و شهوت شکم و شهوت جنسی (کلینی، ۱۴۰۷)؛ بنابراین عفت و حیاء لازم و ملزوم یکدیگرند؛ کسی که حیا دارد عفت می‌ورزد و کسی که عقیف است نفس خود را آلوده نمی‌کند. عفاف و حیاء بانوان، حق‌الله و امانتی از جانب پروردگار به انسان و برگرفته از فطرت توحیدی اوست. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قُرْنٍ، فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَدِّ الْإِيمَانِ» (کلینی، ۱۴۰۷)؛ حیا و ایمان در کنار هم در یک ظرف قرار دارند (و چنان به هم پیوسته‌اند که) اگر یکی از آن‌ها برود، دیگری هم به دنبالش خواهد رفت.

عقل و ایمان، از مهم‌ترین اسباب و لوازم عفت و حیاء به شمار می‌آیند. بدین نحو که حیاء ممدوح نشأت گرفته از عقل و خردمندی و شرع بوده، زشتی را باور داشته و بر آن زشتی حکم می‌کند. در مقابل حیاء مذموم نشأت گرفته از حماقت و بی‌خردی است؛ مانند آنکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نکوهش حیاء در پرسش مسائل علمی فرمود: «وَلَا يَسْتَحْيِيَنَّ أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۸۲)؛ اگر کسی از شما چیزی را نمی‌داندست از فرا گرفتن آن حیاء نداشته و خجالت نکشد. علاوه بر آن در کلام اهل بیت علیهم السلام ایمان از لوازم حیاء دانسته شده است. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴)؛ حیاء از ایمان است. حضرت صادق علیه السلام نیز به صراحت فرمودند: «لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا لِيَاءَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷)؛ هر کس حیاء ندارد، ایمان ندارد.

۴-۲-۲-رابطه عفت و حیاء

عفت و حیاء لازم و ملزوم یکدیگرند. کسی که حیا دارد، عفت می‌ورزد و کسی که عقیف است، از گناه و معصیت شرم داشته، دامن خود را آلوده نمی‌کند (طبرسی، ۱۴۱۲)، نماد عفت که با حیاء قرین است، از مهم‌ترین فضایل اخلاقی و مطیع و منقاد شدن قوه شهویه برای قوه عاقله انسان محسوب می‌شود. اگر عفاف و حیاء زن از میان رود و زن بخواهد در نقش مرد ظاهر شود، ابتدا هویت زن نابود گشته، سپس مرد مردانگی خود را فراموش کرده و به تبع گسستن خانواده و سپس انهدام اجتماع را در پی دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴). نشانه ظهور عقل در انسان عفت و حیاء و آخرین مرتبه عقل ایمان است. کسب آخرین مرتبه بدون کسب مرتبه اول ممکن نیست. عظمت زن آن است که در بینش و معرفت صحیح خویش، با کسب معرفت علمی و به دور از جهالت عملی، بتواند عفت و حیاء زنانه خویش را که خداوند در نهادش به ودیعه گذاشته با اقتدار حفظ نموده، به‌عنوان نمادی از هویت بیرونی، در جامعه ایمانی بروز داد، از ثمرات عفت و حیاء در شئون فردی و جمعی در جامعه ایمانی برخوردار گردد.

۴-۲-۳-ودیعت الهی بودن

عفت و حیاء از ودایع الهی است لذا در تملک انسان قرار ندارد. از این رو بر انسان ضروری است اگر از جانب فردی دیگر مورد آسیب و خدشه واقع شد، از آن‌ها صیانت نماید. به‌عبارتی دیگر عفت و حیاء زن، امانتی مخصوص خداوند متعال به اوست. عفت و حیاء زن، مال او نیست که آن را بخشیده یا عفو نماید. پس هتک عرض با رضایت زن یا شوهر یا اعضای خانواده، بخشوده نخواهد شد. براین اساس مسئله عفت و حیاء از یک‌سو امری فطری در نهاد زن بوده و از را چنان عزت و احترام می‌بخشد که خود را به‌راحتی در اختیار مرد قرار ندهد؛ از سویی دیگر نه‌تنها از مال و جان، بلکه از ایمان هم مهم‌تر بوده، حفظ عفت، حکمت عملی جامعه متمدن و متدین به شمار می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۹۸). به‌عنوان نمونه اصطلاح قرآنی «عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» در آیه: «فَجَاءَتْهُ إِحْدُ الْأُمَّتِشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص/۲۵)، راه رفتن همراه با حیاء از سوی دختر شعیب علیه السلام، صفت ارزشی حیاء را از اوصاف فطری او قلمداد کرده که با اعمال عفت و پوشش در رفتار و جوانج و جوارح او به‌خوبی قابل شهود گشته است (طبرسی، ۱۳۷۲). بر این اساس تفاوتی تکوینی میان زن و مرد موجب

شده پروردگار متعال زنان را با چنان لطافتی خلق نماید که در مرد نیست. لذا این لطافت به نگرهان بیرونی نیاز دارد. خداوند متعال با هویت‌سازی درونی حیای زن را بیشتر از حیای مرد قرار داده، و با هویت‌سازی بیرونی با نماد عفت و حیاء، و جوب حجاب و محدوده آن را که نسبت به زنان بیشتر است، به‌عنوان عامل پاسداری از نماد عفت و حیاء به ودیعه نهاده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور/۳۱). خداوند در قرآن در مسائل بسیاری همچون احکام نماز و زکات، به جزئیاتشان اشاره نکرده و بیان آنها را به عهده رسول‌الله ﷺ گزارده، اما در طرح مسائل هویت‌ساز بیرونی در حیطه تربیتی و رفتاری مؤمنان در جامعه ایمانی، ضمن پرداختن به ریزترین مسائل در این خصوص، نمادانگاری نیز کرده است. پروردگار سبحان بر اساس ابعاد هویت درونی و بیرونی، زنان را موظف می‌دارد از نگاه شهوت‌آلود به مردان نامحرم اجتناب نموده، رفتار خود را کنترل کرده، زینت و زیبایی خود را از نامحرم بپوشاند (طیب، ۱۳۸۶). این دو عامل درونی و بیرونی در کنار هم سبب می‌شوند عفت و حیاء در وجود بانوان تداوم یافته و به ملکه مستقر در وجودش تبدیل گشته و در اعمال و رفتار اجتماعی او بروز و ظهور یابد (جوادی آملی، ۱۳۹۸). حال آنکه اگر زنان همچو مردان از لطافت و حیای کمتری برخوردار بوده و یا محدوده حجاب و پوششان با مردان یکسان بود، نماد عفت و حیاء مطلوب به‌عنوان ودیعه الهی برای آنان باقی نمی‌ماند.

۴-۲-۴- عزت و کرامت آفرینی

قرآن کریم هویت درونی خلقت بشر را، فرای جنسیت، بر اساس کرامت می‌داند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰). اما بر مبنا هویت بیرونی، هر یک از زن و مرد تفاوت‌هایی دارند. هویت بیرونی زن در قالب ایفای نقش‌های فردی و اجتماعی او، جایگاهی فراتر از مردان را دارا است. چراکه تداوم بخشیدن به نسل بشری، محدودیت‌های اعمال غرائز جنسی، تحکیم خانواده و...، از جمله مباحث مرتبط با نقش‌های بانوان بوده و عدم توجه به آن‌ها، صنف زن امروز را در میان دو جاهلیت افراط و تفریط قرار می‌دهد (مهریزی، ۱۳۸۶).

الف) جاهلیت افراطی و مدرن: به بهانه حضور اجتماعی زن و دفاع از حقوق وی، با ارائه تصویری ابتذال گونه از زن، او را به بی‌هویتی فرامی‌خواند.

ب) جاهلیت تفریطی و کهن: به بهانه عصمت و عفاف، زن را از بسیاری کمالات انسانی دور نگه داشته، وی را موجودی پست در برابر مردان به‌عنوان موجودی برتر قرار می‌دهد.

زنان با بهره‌مندی و اتصاف عملی به نماد عفت و حیاء، هویت بیرونی و مستقل خویش را بر اساس کرامت بنا نهاده و آن را با عزت تقویت می‌دارند؛ زیرا عفت و حیاء از جمله نمادهای فضایل اخلاقی و فطری انسانی و حالتی درونی است که نشانه‌های بیرونی آن در نوعی پوشش و انضباط عملی و رفتاری بروز می‌نماید؛ بنابراین هنگامی که نماد حیاء به‌صورت ملکه در جامعه‌ای رسوخ کرد، عفت و خویش‌داری درونی ایجاد شده و ثمره و برون داد آن در صیانت و حفظ حریم و قناعت در حفظ حدود به همراه کرامت و عزت آشکار می‌گردد. بدین معنا که مبنای عفت و حیاء در اسلام حرمت و حیثیت زنان در جامعه ایمانی است. کشاندن هرگونه التذاذ جنسی (بصری، لمسی و...) به درون خانواده و به دنبال آن سلب آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و... نابودی عزت و کرامت زن را در پی خواهد داشت (مطهری، ۱۳۹۶). اگر بانوان بخواهند شخصیت ایمانی و اجتماعی خود را بروز دهند، لاجرم باید به عفت و حیاء مستقر در هویت بیرونی خویش رجوع نمایند (بهجت‌پور، ۱۳۹۶). از آنجا که احترام، حرمت، عزت و کرامت زن مسلمان حق الهی است و خداوند به‌صورت نعمت به وی عطا کرده، بر زنان مسلمان فرض است در حفظ و صیانت از آن نهایت سعی خودش را انجام دهند. احترام، حرمت، عزت و کرامت که زنان غیرمسلمان و غیرملتزم به معارف دینی و قرآنی از آن بی‌بهره‌اند.

۴-۳- نماد سکینه

قرآن کریم از نمادهای هویت بیرونی زن در جامعه ایمانی را نماد سکینه و وقار می‌داند که نقش بارزی در امنیت روانی او داشته و موجب استحکام و پایداری خانواده و به تبع جامعه ایمانی می‌گردد. سکینه به معنای آرامش قلب است (فراهیدی، ۱۴۰۹). شخص متصف به نماد سکینه کسی است که خداوند را تنها خالق، مدیر، مدبر و مؤثر در جهان دانسته، یقین دارد جز خیر و خوبی برایش نمی‌خواهد. او به چنان وقار و اطمینان قلبی دست می‌یابد که در همه احوال به خداوند اعتماد داشته، خوفی و اضطراب و لرزشی برای او نیست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵). خداوند متعال در یکی از آیات انفسی خویش، با اشاره به مرحله پس از آفرینش انسان، فرمود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱). خلقت همسرانی از جنس خودتان، ایجاد پیوند و مودت در میان همسران، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی، با محوریت سکینه و آرامش دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

لازم به ذکر است مراد از سکینه در نوع کاربردهای قرآنی، آرامش و طمأنینه ایمانی است (طباطبایی، ۱۳۷۴): «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح/۴). سکینه، آرامش، اطمینان قلب از ثمرات ایمان و یاد خداست. این نماد در ساختار خلقت و هویت بیرونی زنان نسبت به مردان تبلور ویژه‌ای دارد. تمایز زنان با مردان، بر اساس نماد سکینه، به دلیل عاطفه ویژه‌ای است که خداوند فطرتاً در وجود ایشان نهاده است. اگر این سکینه در سایه مودت عقلی و رحمت قرار گیرد، نه تنها آرامش فردی روحی، روانی و جسمی‌ای خاصی برای زنان حاصل می‌دارد، بلکه این آرامشی که در زن متبلور است در سایه سکینه زن برای مرد فراهم گشته، با مدیریت صحیح آن آرامش و طمأنینه خانوادگی و اجتماعی نیز مقدور می‌گردد.

نماد سکینه در هویت الهی زن، از چنان لطافت و زیبایی‌ای برخوردار است که می‌تواند هم خود و هم محیط پیرامون خویش را به طرف معنویت، پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق داده، پیش‌برد. زن در درون خانواده، محور مدیریت درونی خانواده، مایه انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده به وجود زن آرام می‌گیرد و سکینه و اطمینان می‌یابد (بانکی‌پورفرد، بی‌تا). حاصل آنکه اساس خانواده، سکینه و آرامشی است که اگر بر مبنای عقل بنا شود، با گذشت تدریجی زمان و کسب تجارب عقلی بهتر، پایه‌های زندگی استحکام می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۹۸). از این رو خداوند متعال این نماد را به ودیعه در وجود زنان قرار داده تا با مودت عقلی و ایمانی و گذشت عاقلانه از اشتباهات یکدیگر، خانواده پایدار شکل گیرد.

۴-۴- نماد حیات

نماد حیات از جمله نمادهای بیرونی هویت زن، در جایگاه مادری و تربیت فرزند است. نقش مادر تولید نسل، دوران بارداری، تولد، اعطای حق حیات و تربیت فرزند امری مختص به زن و از ودیعه‌های الهی به اوست. حیات اسم مصدر، مقابل موت و ممات، به معنای زندگانی، زنده شدن، رشد و نمو دهنده موجودات، زیستن در عالم ماده با تکفل خصوصیات و آثار آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴). در واقع حیات نیروی بروز و حرکت دهند موجود زنده از نقص به سوی کمال است (زمخشری، ۱۹۴۷). این واژه حتی گاهی به صورت مجازی، به کار رفته است، مانند نسبت دادن حیات به زمین مرده: «فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (بقره/۱۶۴؛ نحل/۶۵)، مراد از آن رویدن گیاهان در زمین است (طوسی، ۱۳۷۱). حیات، زیستنی است که در آن افزون بر اهداف غریزی و مادی، اغراض معنوی و کمالات الهی نیز لحاظ باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸). از آنجایی که زن در هویت وجودش مادر شدن و تربیت اولاد، نهادینه گشته، نماد حیات مطابق با فطرت او طراح شده است: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ» (بقره/۲۲۳). آیه در مقام بیان سهم زن در تولید و حفظ نسل، زنان همچو کشتزاری معرفی شدند که با تولد فرزند مایه بقای نسل آدمی گشته؛ و مردان مانند کشاورز بذرافشان هستند. نماد حیات در نقش مادری زن، گویای واسطه بودنش در خلقت است: «خَلَقْتُ بَيْبَتِي» (ص/۷۵). تصویرسازی قرآن از سختی‌های نقش مادری نیز به دلیل جایگاه و مسئولیت سنگین بانوان در تولد، پرورش، نگهداری و تربیت فرزند است: «حَمَلْتُهُ أُمَةً وَهِنًا عَلَيَّ وَهْنًا وَفِصَالُهُ فِي عَمِيمٍ» (لقمان/۱۴). بر اساس دیدگاه قرآن اصالت خانواده به زن داده شده است. رسول الله ﷺ بهشت را زیر پای مادران دانسته است: «إِنَّ لِلنَّوْءِ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» (دولابی رازی، ۱۳۷۹). براین اساس علاوه بر نقش مادر در تولد و حیات فرزند، در تحکیم خانواده و حفظ آن بر اساس محبت، رحمت، گذشت، مهربانی، از جایگاه غیر قابل انکاری برخوردار است که خداوند در فطرت او به عنوان نماد هویت بیرونی‌اش به ودیعه

نهاده است. بانوان با ارتقا معرفت و بینش خویش، به‌خوبی می‌توانند فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم، روح، خُلق و رفتار خویش، به فرزندشان انتقال دهند. عناصر هویت ملی، زبان، عادات، آداب، سنت‌ها، اخلاق‌های خوب، عادت‌های خوب و... توسط مادران به بهترین و عمیق‌ترین شیوه قابلیت انتقال دارد. بدین معنا که هویت و شخصیت یک ملت، در درجه اول به‌وسیله مادران منتقل می‌شود. البته پدران از اثرات کمتری نسبت به مادران قرار دارند؛ بنابراین مادران که اصالتا مهر و محبت در وجودشان متبلور است، در سایه همین صفت ممتاز و بهره‌گیری از تقوای لازم در زندگی، به‌وظایف پرورشی خود که رساندن فرزندان به سعادت است، جامعه عمل پوشانده، انتقال عناصری هویتی به فرزندانشان را پی می‌گیرند. نماد حیات در مادران، با اشاره به انسان پروری او، رشد روحی فرزند را به وساطت رشد روحی مادر به فرزند پی می‌گیرد.

مسئولیت‌های پرورشی مختص به هویت واقعی زنان و مادر (که مردان از آن محروم‌اند)، همچون بارداری، مراقبت از نطفه در نگهداری جسمی، نگهدار روحانی، حلال خوردن، وضع حمل، شیردهی (حداقل سی ماه)، پرورش و تربیت فرزند در مراحل گوناگون خلقت و... سهم تعیین‌کننده‌ای در پرورش جسم و روح فرزندان دارد. لذا مادری که از نظر اعتقادی و عملی، در دو قسم جسمانی و روحانی بهتر عمل کرده، از عملکرد آن آگاه باشد، اندیشه‌ها و بینش‌هایش تعالی می‌یابد. این نشان از نقطه متمایز زنان با مردان و عظمت آنان در پرورش و تربیت فرزندان و نسل نو، بر اساس مهر، رأفت و عطوفت دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸). شناخت نماد فطری حیات در هویت بیرونی زنان، حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش را در خانواده و جامعه بر عهده آنان نهاد و انجام تکالیف و حقوق و وظایفی‌ای را منطبق بر ساختار بدنی‌شان بر عهده زنان قرار می‌دهد.

۴-۵- نماد رحامت

زن و مرد بی‌هیچ تفاوتی دو رکن سازنده نسب فرد بوده، پدر و مادر دو عنصر اصلی تأسیس نسب و خانواده‌اند. ارتباط حقیقی افراد با یکدیگر از طریق ولادت و رحامت است. بر اساس همین ارتباط، خانواده، تیره و طایفه، قبیله، ملت، قوم و جامعه شکل گرفته، سرچشمه‌ای برای آداب، رسوم و فرهنگ ملل را فراهم می‌دارد. بنا بر آیه: «ثُمَّ جَعَلْنَا نُطْفَةَ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ عَزَّ وَجَلَّ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون/۱۳-۱۴)، رحم که مبدأ تکون اعضای به هم پیوسته بوده و تمام تحویل و تحول از نطفه، علقه، مضغه، جنین، سپس خلق آخر شدن، قوام احسن یافتن و احسن المخلوقین شدن، همگی در نهان و نهاد زن صورت می‌پذیرد. در حقیقت مقام والای زن است که پایه‌گذار قانون ارحام، صله‌رحم، محرمیت و... است (جوادی آملی، ۱۳۹۸).

واژه رحامت از ریشه رحم (بفتح را و کسر حا)، رحم زن و محل رشد جنین و جمع رحم ارحام است: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (آل عمران/۶) «وَيُنَزِّلُ الْمَغِيثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ» (لقمان/۳۴). اطلاق رحم و ارحام بر قوم‌و خویش از آن جهت است که ریشه همه آن‌ها رحم بوده و از یک رحم خارج شده‌اند. ذو رحم یعنی صاحب قرابت و ذوی‌الارحام صاحبان قرابت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). ارحام، اعم از نزدیکان نسبی و سببی هستند. در برخی نصوص، خویشاوندان سببی نیز در حکم ارحام نسبی و در برخی دیگر از نصوص خویشان سببی غیر از ارحام نسبی به شمار می‌آیند (مجلسی، ۱۴۰۳). در بیان عظمت و اثرگذاری زنان همین بس که محور و منشأ تشکیل جامعه کوچک (خانواده، عشیره، قبیله) است (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

خداوند متعال در آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَ إِدَّةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا رُؤُوسَهُمَا وَ بَنَىٰ مِنْهَا رِجَالَهُمَا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ» (نساء/۱)، ضمن بیان خلقت مشترک زن و مرد از یک نفس واحده، برای اینکه گمان نشود جامعه بزرگ را تنها مرد می‌سازد، بدون فاصله به آفرینش زن از همان حقیقت واحده تصریح کرده، سپس به رحم که محور بسیاری از احکام فقهی خانواده است، اشاره می‌کند. زنان ابتدا به دلیل برخورداری از عنصر محوری رأفت و عطوفت در جذب مردان، سپس به دلیل نقش ویژه‌شان در تولید نسل و تولد فرزندان، سهم بزرگی از تشکیل خانواده و بنیان‌گذاری جوامع را به خود اختصاص داده‌اند. از این‌رو اصالت خانواده به عهده زن بوده، پایه اصیل تأسیس نماد رحامت و تشکیل حکومت مهر و رأفت، همانا زن خواهد بود. چراکه مرد

اجنبی را رحم می‌کند، با تکثیر نسل، دو خانواده را در اثر مصاهره به هم مرتبط می‌نماید، در اثر رضاع، افراد بیگانه را محرم نموده و پیوند رضاعی را چون پیوند مصاهره به رابطه رحامت نزدیک می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۸)؛ بنابراین گرچه وصف عاطفه، آرامش یافتن و مانند آن از اوصاف مشترک زن و مرد است، اما اصالت آن برای زن و در گرو اصالت رحامت شکل می‌گیرد.

قرآن کریم نخست جامعه کوچکی را با محوریت رحامت زن و نه صلابت مرد، ساخته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۸). هرچند صلب پدر در تشکیل خانواده و پرورش عاطفه اثر دارد، اما اساس پیدایش عاطفه خانوادگی، نشر و انتقال آن به دیگران را رحم زن دانسته، نه صلب مرد. لذا سهم محوری و منشأ اصلی آن مادر است. مادر همان نفس عطوفی است که با روح عطوف خدادادی‌اش توان پروراندن عاطفه را در دیگران دارد. درحالی که مرد یا کسی که ماده تکون فرزند از میان صلب و ترائب او بیرون آمده، ممکن است از چنین هنری برخوردار نباشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸). در حقیقت با وجود آنکه وصف عاطفه، آرامش یافتن و... از اوصاف مشترک زن و مرد است، اما اصالت آن در زن معنا یافته، همان‌گونه که اوصافی چون قیومیت گرچه اصالتاً برای مرد است، اما مشترک میان زن و مرد بوده، زن نیز می‌تواند گاهی قیم و سرپرست فرزندان باشد: «الزَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء/۳۴). قانون صلهرحم، اصل مهمی است که جامعه کوچک را درست تربیت کرده و زمینه شکوفایی جوامع بزرگ را فراهم می‌دارد. از این رو مهره اصلی خانواده و رحامت را زن، به‌عنوان سهم تعیین‌کننده‌ای در پیوند ارحام و تشکیل جوامع کوچک بر عهده دارد (طبرسی، ۱۳۷۲): «وَهُوَ الْوَلِيُّ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا» (فرقان/۵۴). این آیه سبب را از نسب جدا کرده است. پیوندهای سببی (دامادی از راه ازدواج) در اسلام به پیوندهای نسبی ملحق می‌شود. لذا نقش زن نه‌تنها ایجاد رابطه رحامت بین اعضای نسبی یک خانواده، بلکه سهم او در ایجاد پیوند رحمی میان وابستگان سببی نیز غیرقابل انکار است. اسلام، وابستگان سببی همانند پیوستگان نسبی را از رحامت خاص برخوردار می‌داند؛ یعنی همانند نسب، محرمیت و رحامت را در پی دارد و بیگانه‌ها با محوریت رحم، ارحام یکدیگر می‌گردند؛ هرچند همه احکام رحامت بر آن مترتب نیست (طیب، ۱۳۸۶).

حاصل آنکه زن سهم تعیین‌کننده‌ای در پیوند ارحام و تشکیل جوامع کوچک دارد. از این رو، بر اساس آیات قرآن و گواهی تاریخ به نوادگان هر فردی؛ چه از طریق دختر و چه از طریق پسر، اولاد اطلاق می‌شود (قرآنی، ۱۳۸۸). قوانینی که برای ارحام و محرمیت و دستور قرآن بر وجوب صلهرحم در حوزه رحامت وارد شده، در تحکیم روابط خانواده‌ها بسیار اثرگذار است. نقش زنان به‌عنوان نماد رحامت و هویت بیرونی ایشان در جامعه ایمانی، در شکل‌گیری هویت بیرونی‌شان که با عمل کردن به دستورات قرآنی، به‌عنوان نماد و الگویی برای زنان مطرح است.

۴-۶- نماد قانت

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ» (احزاب/۳۵) از ویژگی‌های زنان شایسته و صالح، قانت بودن آن‌هاست. واژه قانت، از ریشه (قنت)، به معنای اطاعت انسان، شامل اطاعت از پیامبر ﷺ، امامان علیهم‌السلام، اطاعت فرزند در برابر والدین و... آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). آیات قرآن قانت بودن و اطاعت‌پذیری زنان صالح و شایسته را از صفات ممتاز مسلمان بودن آنان برشمرده، منشأ آن را ولایتی می‌دانند که تنها از آن خداوند متعال است؛ بنابراین پروردگار سبحان، خالق نظام هستی و حاکم بر آن بوده، شایسته و مستلزم اطلاق مطاع بودن است؛ اما دیگران زمانی مطاع هستند که از سوی او اطاعت‌شان تجویز شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴). نمونه بارز آن به‌عنوان نماد هویت بیرونی زنان در قانت بودن، حضرت مریم علیها‌السلام است. ایشان دارای شخصیتی با محوریت قنوت و فراتر از خصوصیات فرشتگان است: «وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۴۲). اعتکاف و خلوت‌گزینی با خداوند، اطاعت‌پذیری خالصانه در برابر خداوند، از جمله مهم‌ترین خصلت‌های قانت بودن آن حضرت علیها‌السلام محسوب می‌شود که به‌صورت بنیادین هویت بیرونی زنان را معنایی واقعی می‌بخشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸).

اطاعت اختیاری انسان‌ها نشأت گرفته از اوصاف نفسانی‌ای چون محبت و ایمان اوست. بدین معنا که انسان موجودی نیازمند است و برای برآورده شدن نیازهایش، ناگزیر از محبت به کسی یا چیزی است که نیازهای او را رفع کند. از آنجاکه هر رفتار بیرونی نتیجه‌گرایشی

درونی بوده و هرگز گرایش درونی او طبق طبع یا غریزه محض نیست، بلکه مستند به بینش فطری و الهام فجور و تقوای الهی است. گاه صرف مشاهده کمالی در شخص، سبب می‌شود تا انسان به او مهر ورزیده، از او اطاعت کند (طوسی، ۱۳۷۱). قنوت مرتبه‌ای از مسلمانی پس از ایمان، تابع علم و اندیشه شخص مؤمن است. انسان هر اندازه که معبود خود را بفهمد نسبت به او ارادت و عبادت دارد. ممکن است کسی چیزی یا مقامی را بفهمد و به او ارادت نرزد؛ یعنی علم وی قوی باشد اما به عمل نشیند، مانند عالم بی‌عمل؛ اما ممکن نیست عمل مستقل از انسان بوده، از حد علم بگذرد (جوادی آملی، ۱۳۹۸)؛ بنابراین پیروی و خضوع انسان‌ها علاوه بر تکوینی بودن آن، در حیطه اختیاری آن زاینده محبت به حب کمال و ایمانی است که برخاسته از نوع بینش در انسان متفکر، عاقل و عمل‌کننده باشد. تا در نتیجه منجر به گرایش و کنشی در رفتار وی گردد. از آنجا که نماد قانت بودن زنان مصداقی از اطاعت و در راستای اطاعت الهی است، اهل قنوت هیچ‌گونه واکنش خودخواهانه در برابر دستورات الهی اظهار نکرده و با قنوت و فروتنی و خاکساری کامل، جان فرمان الهی را پذیرا هستند.

شکوفای شدن ظرفیت‌های درونی انسان، رسیدن به بیشترین فعلیت قوای الهی به ودیعت نهاده شده در او، موجب می‌شود زنان مسیری را طی کنند که از راه کردار و عمل به دستورات الهی و راهکارهای ویژه‌ای که خداوند برای شکوفای شدنش توصیه می‌کند، به نتیجه دست یافته، با ابراز فرمان‌برداری، اطاعت، تسلیم در برابر خداوند با عبادت‌ها و پرستش‌های نمادینی چون نماز و حج به منظور آماده کردن خویش در پیمودن این راه قدم بردارد. هویت بیرونی زنان با بهره‌گیری از دستوراتی در سه حیطه نگرش، گرایش و رفتار، موجب نهادینه شدن این صفات در بانوان گشته، به‌عنوان نماد بیرونی هویت زن مسلمان، علاوه بر وظایف و نقش ویژه او، به شکوفای کردن عملی خویش در این مسیر راه می‌یابد. زن مؤمن، قانت بودن در برابر دستورات الهی را در پرتو هویت خویش دریافت نموده، در مقام عمل رفتارهای اسلامی و اجتماعی را در بینش و رفتاری خویش به‌صورت صحیح، در آرامش و تحکیم خانواده و جامعه بروز می‌دارد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

قوای طبیعی و فطری بشر منشأ اوصاف و افعال او و مؤثر در هویتش به‌حساب می‌آیند. چنانچه بهره‌مندی از قوای فطری تحت تعالیم و معارف و حیوانی باشد، منجر به ساخت هویت انسانی الهی او گشته، وی را مستعد کمالات خلیفه‌اللهی می‌دارد. در این فرایند، جای هیچ‌گونه تفکیک جنسیتی میان زنان و مردان نیست. چراکه فطرت الهی به عموم استغراقی تمام اصناف انسان‌ها را در بر می‌گیرد. انسان در بینش صحیح خویش، با کسب معرفت علمی، به دور از جهالت عملی، به‌خوبی از ثمرات عفت و حیاء در جامعه ایمانی برخوردار می‌گردد.

نمادانگاری‌های هویت بیرونی زنان، الگوی اسلام برای بانوان جهت رسیدن به کمال و سعادت معنوی اوست. با تبیین و شناخت این‌گونه از اوصاف ویژه زنان که به‌طور فطری خداوند در وجودشان به ودیعه گذاشته است، در سرشت الهی و به دنبال آن انجام تکالیف و حقوق و وظایفی که مطابق ساختار بدنی‌شان بر عهده آنان نهاده شده را آسان می‌کند. نمادانگاری‌های قرآن کریم زنان، منبعث از اسماء و صفات الهی و نقش حساس، ظریف و مؤثر ایشان در خانواده و جامعه ایمانی است. قرآن آنان را فطرتاً مجهز به نمادانگاری‌هایی چون عفت و حیاء، رحامت، حیات، قانت بودن می‌دارد که منشأ آن اصالتاً به خداوند باز می‌گردد. همچنین غلبه عاطفه و احساسات بانوان بر عقلشان که از لوازم مادری آنان است، با کمک عقل و خرد انسانی او، از مهم‌ترین لوازم نمادهای بیرونی هویت زنان به شمار آمده و ایشان را تجلی ظرافت، عاطفه، زیبایی گفتار و رفتار می‌دارد.

۶- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه

- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴). عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت، موسسه الاعلمی.
- ۴- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت، دارالفکر.
- ۶- احمدی بیغش، خدیجه؛ و ذاکراصفهانی، مهدیه (۱۴۰۳). نقش جنسیت در عناصر درونی هویت‌ساز انسان از دیدگاه قرآن کریم، نشریه معارج، شماره ۶ (۴)، ۱۲۹-۱۵۸.
- ۷- اشرفی، ابوالفضل (۱۳۷۷). بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب. بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی (رپ و هوی متال) در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸- بانکی پورفرد، امیرحسین (بی‌تا)، نقش و رسالت زن، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۹- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۶). سیر فرهنگ‌سازی پوشش اسلامی (با رویکرد تفسیر تنزیلی)، قم، موسسه تمهید.
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی (توحید در قرآن)، قم، اسراء.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه، قم، اسراء.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). اسلام و محیط‌زیست، قم، اسراء.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). زن در آینه جلال و جمال، قم، اسراء.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). سروش هدایت، قم، اسراء.
- ۱۵- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر موضوعی قرآن کریم (جامعه در قرآن)، قم، اسراء.
- ۱۶- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). ادب فنای مقربان، قم، اسراء.
- ۱۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). مفاتیح الحیاه، قم، اسراء.
- ۱۸- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸). تسنیم، قم، اسراء.
- ۱۹- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۲). فاطمه علیها السلام اسوه بشر، قم، اسراء.
- ۲۰- چیت‌سازقمی، محمد (۱۳۸۳). گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت، تهران، سمت.
- ۲۱- حاجیانی، ابراهیم؛ فولادی، سپهر (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت مذهبی در بین اقوام ایرانی، پژوهشنامه علوم اجتماعی، شماره ۴ (۴)، ۳۳-۵۴.
- ۲۲- دوران، بهزاد (۱۳۸۳). گزارش طرح تحقیقاتی، هویت اجتماعی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۲۳- دولابی رازی، محمد بن احمد (۱۳۷۹). الکتی والأسماء، تحقیق: نظر محمد فاریابی، بیروت، دارابن حزم.
- ۲۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- ۲۵- رواس قلعه‌جی، محمد (۱۴۰۸). معجم لغة الفقهاء، بیروت، دارالنفائس للطباعة والنشر والتوزيع.
- ۲۶- زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۴۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب.
- ۲۷- شجاعی‌زند، علی (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، نشریه جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱ (۶)، ۳۴-۶۶.
- doi:20.1001.1.17351901.1384.6.1.3.7**
- ۲۸- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، الأعلم المطبوعات.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). تفسیر جوامع الجامع، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۳۰- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- ۳۱- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۱). التبیان فی تفسیر القرآن، قم، النشر الاسلامی.
- ۳۲- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۶). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، سبطين.

- ۳۳- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۷). بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
- ۳۴- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹). کتاب العین، قم، نشر هجرت.
- ۳۵- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۳۶- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۷- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، احیا التراث العربی.
- ۳۸- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا.
- ۳۹- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۰- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۳). عقل در سه دین بزرگ آسمانی، زرتشت، مسیحیت و اسلام، تهران، جوان پویا.
- ۴۱- مهریزی، مهدی (۱۳۸۶). شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴۲- میرشکاری، جواد (۱۳۹۶). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۴۳- نجفی، موسی (۱۳۹۲). هویت‌شناسی، تهران، آرما.
- ۴۴- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۹۵). فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب.



Symbolism of Women's External Identity in the Faithful Community from the Perspective of the Quran

Khadijeh Ahmadi Bighash^{*1}, Mahsa Pakdaman²

1-Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Kh.ahmadi@modares.ac.ir

2-MA Student, Department of Quranic Interpretation and Sciences, Qaem Seminary Institute, Chizar, Tehran, Iran.

mshpakdaman@yahoo.com

Abstract

The Quranic perspective on women's identity symbols, in both their internal and external dimensions, aligns their performance and behavior with values, respect, dignity, and protection within the faithful community. These symbols not only have a deep connection with Islamic culture and teachings but also manifest the religious values and beliefs, as well as the dignity and status of Muslim women. The present study aims to answer the question: Based on Quranic foundations, what symbols encompass the external identity of women in the faithful community? A descriptive-analytical examination of this issue indicates that the symbolic behavior of women, rooted in their innate nature and inner self, is particularly emphasized through actionable symbols, especially for Muslim women. The expression of human external behaviors is the result of their inner inclinations, and every inner inclination stems from rational and practical insight. Cultivating and refining these inner characteristics, in alignment with the specific roles of women in the human social system, leads to the emergence and manifestation of virtuous traits in them. Due to their unique creation, these manifestations are more prominent in women than in men. The significant function of Quranic symbolism in presenting and elucidating the external identity of Muslim women lies in conveying meaning and fostering a sense of identity through symbols such as chastity, modesty, compassion, and devotion. Faithful women, by embodying the symbols of their external identity within the faithful community, can effectively be introduced as role models for all of humanity.

Keywords: Holy Quran, Women, Identity Symbols, External Identity, Faithful Community.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)